

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بررسی فرض پنجم: نسیان

بحث در الحاق و یا عدم الحاق صوم در سفر به صلاة تام در موضع قصر است و برخی فروض آن ذکر شد. فرض دیگر این است که اگر شخص در سفر نسیاناً نماز را تمام خواند، تقریباً اتفاق نظر و روایات معتبر وجود دارد که اگر در داخل وقت کشف خلاف شد باید اعاده نماید اما در خارج وقت نیاز به قضا ندارد.

اما اگر شخصی در سفر می‌داند روزه در سفر باطل است ولی در عین حال نسیاناً روزه گرفت، آیا حکم به صحت می‌شود چون ناسی را مانند جاهل به اصل حکم می‌دانیم؟! یا این شخص مصداق کسی است که ابلاغ خبر رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نسبت به وی مبنی بر عدم گرفتن روزه در سفر شده‌است، لذا روزه‌اش باطل است و باید قضا نماید.

در موارد زیاد مرحوم امام (ره) فرعی را ذکر ننموده‌ام مرحوم سید (ره) آن را ذکر نموده‌است. اما در این مسئله مرحوم سید (ره) در عروه متعرض این فرع نشده اما در مقابل مرحوم امام (ره) این فرع ذکر نموده‌است.

برخی محشین عروه می‌فرمایند: از اطلاق کلام مرحوم سید (ره) در عروه چنین استفاده می‌شود که روزه در این فرض نیز باطل است. مرحوم امام (ره) نیز چون ناسی را ملحق به عالم عامد می‌داند لذا می‌فرماید: قضا واجب است.

ادله فرض پنجم

هر چند حدیث رفع حکم می‌گوید: ناسی حکمی ندارد اما دلیل حکم مذکور روایاتی است که در آن‌ها عنوان شده بود اگر نهی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به شخص رسیده باشد روزه باطل است و اگر نهی نرسیده باشد روزه صحیح است لذا روایات مذکور بر حدیث رفع حکومت دارند. در مورد این شخص نیز نهی به وی رسیده‌است اما در عین حال فراموش کرده‌است.

دلیل دیگر این است که در روایات صوم با تعبیر «مَنْ صَامَ فِي السَّفَرِ بِجَهَالَةٍ لَمْ يَقْضِهِ» تنها مورد جهل استثناء شده‌است. ما با قرینه روایات دیگر جهل را به جهل نسبت به اصل حکم اختصاص دادیم که شامل جهل به خصوصیات و جهل به حکم نمی‌شود اما در هر صورت در این روایات مطلبی در مورد ناسی وجود ندارد.

خلاصه و جمع‌بندی مسئله دوم

در مسئله دوم گفتیم صوم در جمیع موارد ملحق به صلاة است إلا در نسیان؛ یعنی همان‌گونه که اگر شخصی عالماً و عامداً در موضع قصر تمام خواند، اگر عالماً و عامداً در سفر نیز روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است و باید اعاده نماید.

یا اگر کسی جاهل به اصل آیه تقصیر در نماز بود و در سفر نماز را تمام خواند، و اگر کسی جاهل به اصل بطلان روزه در سفر باشد و روزه گرفت روزه اش صحیح بوده و نیاز به قضا ندارد.

در مورد جاهل به خصوصیات یا جاهل به موضوع نیز مرحوم امام (ره) و به تبع ایشان ما گفتیم هر دو ملحق به عالم عامد هستند. در مقابل مرحوم خوئی (ره) فرمود: جاهل به موضوع ملحق به عالم عامد نبوده و قضا ندارد. در فرض نسیان نیز تقریباً این اتفاق وجود داشت که ملحق به عالم عامد است.

مسئله سوم

در مسئله دوم حکم اتمام در موضع قصر مورد بررسی قرار گرفت. اما در مسئله سوم عکس این حکم یعنی قصر در موضع اتمام به جهت وجود جاهل به حکم بررسی می شود. مشهور و مرحوم امام (ره) می فرمایند: «لو قصر من كانت وظيفته التمام بطلت صلاته مطلقاً حتى المقيم المقصر للجهل بأن حكمه التمام»^[1] اگر وظیفه کسی خواندن نماز چهار رکعتی است اما در عین حال نماز را قصر می خواند، نماز او در تمام فروض باطل است حتی اگر شخص در جایی قصد اقامه داشت و نمی دانست کسی که قصد اقامه دارد وظیفه اش تمام است.

کلام مرحوم صاحب جواهر (ره)

مرحوم صاحب جواهر (ره) در این مسئله می فرماید: «و في الروض و عن الحقائق أنه المشهور، بل ربما كان ظاهر جميع الأصحاب أيضاً حيث اقتصرنا في بيان المعذورية على الأولى التي لا يلزم منها المعذورية هنا قطعاً، إذ لعل العذر هناك من جهة أصالة التمام و معروفيته بخلافه هنا.»

مرحوم صاحب حدائق (ره) در مورد کسی که در موضع تمام نماز را قصر خوانده است می فرماید: مشهور قائل به اعاده هستند. مرحوم صاحب جواهر (ره) در ادامه می فرماید: بلکه ظاهر کلمات تمام اصحاب دال بر این حکم یعنی اعاده است چرا که با مراجعه به کلمات اصحاب متوجه می شویم که تنها مسئله دوم یعنی اتمام در موضع قصر را معذور می دانند نه این که معذوریت به صورت مطلق باشد.

نکته دیگر این است که میان فرض قبل یعنی خواندن نماز تمام به جای نماز قصر با مسئله محل بحث یعنی خواندن نماز قصر به جای نماز تمام این تفاوت وجود دارد که اصالة التمام در فرض سابق جریان دارد چرا که این شخص طبق قاعده نماز را تمام خوانده است. اما اصالة التمام در اینجا جاری نیست چرا که وی نماز را شکسته خوانده است.^[2]

مقتضای قاعده در مسئله سوم

دلیل حکم مذکور قاعده است؛ یعنی در مورد کسی که وظیفه اش قصر بوده و نماز را تمام می خواند قاعده می گوید: از آن جا که مأمور به انجام نداده است لذا باید مجدداً اعاده نماید. خصوصاً این که در مسئله محل بحث نقصان رکن قطعاً محقق شده و به جای چهار رکعت دو رکعت را خوانده است. اما در مسئله قبل گفتیم این اختلاف وجود داشت که برخی می گویند: سلام در نماز مستحب بوده لذا در رکعت دوم نماز خود بخود تمام شده است.

به عبارت دیگر در مسئله سابق تنها طبق برخی اقوال زیادت رکن وجود داشته و شاید کسی در آن تردید داشته باشد. لذا گفتیم این که مرحوم خوئی (ره) طبق روایت «مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»^[3] فرمود بر این شخص اعاده واجب است شاید مواجه

با این اشکال شود که معلوم نیست صدق زیادت وجود داشته باشد چرا که اگر سلام نماز مستحب باشد زیادت محقق نمی‌شود. اما بالاخره این اشکال وجود داشت این نماز از ابتدا به قصد زیادت آورده شده‌است.

پس در این مسئله مسلماً نقضان رکن وجود دارد، لذا قاعده می‌گوید: این نماز در تمام فروض اعم از علم، جهل به خصوصیات، جهل به موضوع و نسیان باطل است.

کلام مرحوم سید (ره) و حواشی عروه

این‌که مرحوم امام (ره) تعبیر «حتی المقیم المقصر للجهل بأن حکمه التمام» ذکر نموده به این جهت می‌باشد که مرحوم سید (ره) این مورد را استثناء کرده و می‌فرماید: نماز صحیح است و نیاز به اعاده ندارد؛ مثلاً اگر شخص قصد اقامه ده روز در محلی را داشت و نمی‌دانست باید در محل اقامه نماز را تمام بخواند؛ مانند فرزندی که در ابتدای سن بلوغ به تبع پدر و مادر قصد اقامه در محلی را دارند اما نمی‌دانند در محل اقامه باید نماز را تمام خواند.^[4]

محشین عروه مانند مرحوم نائینی و مرحوم بروجردی و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (رحمة الله علیهم) می‌فرمایند: نماز این شخص باطل بوده و باید اعاده نماید.

مرحوم حائری موسس حوزه (ره) و مرحوم سید احمد خوانساری (ره) قائل به احتیاط شده و می‌فرمایند: احوط این است که شخص اعاده نماید.^[5]

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 263.

[2]. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 346.

[3]. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.» الكافي، جلد 3، صفحه 355.

[4]. «إذا قصر من وظيفته التمام بطلت صلاته في جميع الموارد إلا في المقيم المقصر للجهل بأن حکمه التمام.» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 162.

[5]. «لا يترك الاحتياط بالإعادة في المقام. (الخوانساري)...الأقوى عدم المعذورية. (النائيني). هذا أيضاً يجب عليه الإعادة على الأقوى. (الأصفهاني)...الأقوى عدم معذورية الجاهل هناك. (البروجردی)...لا يترك الاحتياط بالإعادة أو القضاء. (الحائري).» العروة الوثقى (المحشى)، ج، ص: 512.